

مشورت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۴

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۸/۶

علی اصغر فیضی پور*
محمدحسن فیضی پور**

چکیده

«مشورت» یعنی صلاح‌اندیشی، رایزنی و تدبیر و مشورت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام نیز به معنای استقبال از دیدگاه و نظر دیگران است. «سیاست» هم به مفهوم «هدایت، رهبری و تدبیر امور مردم» است. به نظر امیر مؤمنان علیه السلام، هیچ پشتیبانی موثقت‌تر و استوارتر از مشورت وجود ندارد. هیچ خردمندی از مشاوره و رایزنی با خردمندان، خیرخواهان، عالمان، صاحبان تجربه، اهل احتیاط، پارسایان و عاقلان، بی‌نیاز نیست. مشورت، آثار و نتایج فراوانی دارد؛ مانند: «شخصیت‌دادن به مردم»، «شکوفایی استعدادها»، «شناخت افراد خیرخواه و عاقل»، «کم‌کردن ضریب خطا»، «جلوگیری از استبداد»، «رشد فکری و فرهنگی مردم»، «احترام به مردم»، «سهیم‌شدن در خرد دیگران»، «به دنبال داشتن امداد الهی و پیروزی»، «جلوگیری از حسادت‌ها، ملامت‌ها و انتقادهای بی‌جا»، «بالندگی فرد و جامعه» و «پرورش انسان‌های شجاع، حق‌طلب، عادل و وظیفه‌شناس».

* پژوهشگر علوم اسلامی.

** دانشجوی رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

بایدها و نیایدها در مشورت شونده، از مباحث مهم در شور و مشورت است؛ صفاتی مانند: «خردمندی»، «خیرخواهی»، «علم و آگاهی»، «تجربه»، «خلاترسی» و «عقل» از بایدهایی هستند که هم شایسته و هم بایسته است در مشورت شونده وجود داشته باشند و ویژگی‌هایی همچون: «بخل»، «ترس»، «حرص»، «جهل»، «لجاجت» و «دروغ» از نیایدهایی هستند که هم شایسته و هم بایسته است در مشورت شونده وجود نداشته باشند.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، مشورت، اندیشه، سیاست، سیاسی.

«مشورت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام» به معنای استقبال از دیدگاه اهل آن است که باعث شناخت انسان از مواضع و مواقع خطا و اشتباه می‌شود: «من استقبال وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء»: هرکس به آرای گوناگون روی آورد، جایگاه‌های خطا و اشتباه را در امور گوناگون می‌شناسد (نهج البلاغه، ح ۱۷۳). از این منظر، مشورت و صلاح‌اندیشی، عین هدایت و پیمودن راه حقیقت است. احساس بی‌نیازی از آن، به مخاطره‌انداختن خود و دیگران را به دنبال خواهد داشت: «الاستشارة عین الهدایة و قد خاطر من استغنی برأیه»: مشورت و صلاح‌اندیشی عین راهیابی است، آن‌کس که به فکر خود متکی گردد، خود را به مخاطره انداخته است (همان، ح ۲۱۱). سیاست نیز در اندیشه امام علی علیه السلام به مفهوم هدایت و رهبری است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۷۹):

«حسن السياسة قوام الرعية»: نیکویی سیاست برپادارنده مردم است (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۸۴).

یعنی تدبیر امور مردم و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اصلاح آنان، با هدایت ایشان در جهت سعادت دنیوی و اخروی است. «مشورت» و «رایزنی» از مصادیق آشکار تدبیر امور مردم است.

در اندیشه امام علی علیه السلام «مشورت» و «صلاح اندیشی» از مؤکدترین امور در روش، منش و رفتار سیاسی و مدیریتی ایشان است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۹۷).

به نظر ایشان، اولاً، پشتیبانی همانند مشاوره نیست:

«لاظهير كالمشاوره»: هیچ پشتیبان و کمک‌کاری مانند مشاوره نیست (نهج البلاغه، ح ۵۴).

ثانیاً، استوارترین پشتیبان، مشورت است:

«لامظاهرة اوثق من المشورة»: پشتیبانی استوارتر از مشورت و رایزنی وجود ندارد (همان، ح ۱۱۳).

افزون بر این، وسوسه‌های شیطانی نباید افراد عاقل را از مشورت کردن با اهل آن بازدارد، بلکه به طور دائم و در همه امور لازم، رایزنی و مشورت ضرورت دارد.

عاقل و خردمند کسی است که احساس بی‌نیازی از رایزنی و مشاوره نداشته باشد:

«لايستغنى العاقل عن المشاورة»: خردمند، از مشاوره و صلاح‌اندیشی بی‌نیاز نمی‌شود (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۵۴).

امام علی علیه السلام گفتن حق یا مشورت به عدل را از حقوق متقابل مردم و

زامداران می‌دانند و می‌فرمایند:

«فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشورة بعدل»: پس، از حق‌گویی واقع‌بینانه و مشورت عادلانه خودداری نکنید (نهج‌البلاغه، خ ۲۱۶).

الف) انگیزه انتخاب موضوع

۱. چالش‌هایی چون تکبر، غرور، خودرایی و خودپسندی در جوامع بشری ما را بر آن داشت تا برای برون‌رفت از آن، سخنان امام علی^{علیه السلام} را درباره مشورت، مورد بازنگری دوباره قرار دهیم.

۲. گروهی در گفتار و رفتار مخالف شورا و مشورت‌اند و بیان می‌دارند که شورا و مشورت، تصمیم‌گیری‌ها را پراکنده و سخت می‌کند و باعث کندی امور می‌شود! پس بهتر است برای بهره‌مندی از فرصت‌ها و جلوگیری از پراکندگی تصمیم‌گیری‌ها، تمرکز دیدگاه و تصمیم ایجاد شود.

برای پاسخ به این چالش فکری و عملی، بر آن شدیم تا مشورت و رایزنی را در اندیشه امام علی^{علیه السلام} مورد بررسی قرار دهیم و به نقد این دیدگاه بنشینیم.

۳. زمینه‌سازی مشارکت آگاهانه، خیرخواهانه و متدینانه امت اسلامی در عرصه‌های گوناگون فراهم شود تا گامی برای ید واحد شدن برداشته شود.

۴. برون‌رفت از تملق، چاپلوسی و دروغ‌گویی و ورود به عرصه شور، مشورت، صلاح‌اندیشی، تدبیر دلسوزانه، صادقانه و خیرخواهانه ما را بر آن داشت تا نگرشی دوباره به این موضوع داشته باشیم.

ب) اهمیت و جایگاه موضوع

۱. اسلام که همواره به خروج مردم از تاریکی‌های جهل، اسارت و استبداد و

هدایت آنها به نور علم و آزادی می‌اندیشد، می‌تواند بر آرا و افکارشان وقعی نگذارد. بر خلاف آن، قرآن تا آنجا به اندیشه‌ها و استعدادها تک‌تک افراد جامعه ارج می‌نهد که سوره‌ای با عنوان «شوری» بر رسول خدا نازل می‌شود (ملکی، ۱۳۵۹، ص ۱۹). خداوند در این سوره، مؤمنان را کسانی می‌داند که امورشان را با مشورت می‌گذرانند (شوری: ۳۸).

۲. خداوند حکیم به پیامبر امین‌اش دستور می‌دهد که «ای پیامبر! در تصمیم‌گیری‌های همگانی، با مردم مشورت کن» (آل‌عمران: ۱۵۹).

۳. خداوندی که به پدر و مادر اجازه نمی‌دهد در امر تربیت و پرورش فرزندشان استبداد به خرج دهند، چگونه اجازه می‌دهد جامعه‌ای مستبدانه و بدون شور و مشورت اداره شود؟! (فیضی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

۴. اصل مشورت، نعمت بزرگ خداوندی برای انسان‌هاست. آنان را به خود متکی می‌سازد و از داشتن استعدادها، امکانات و نیروهای سازنده، آگاه می‌سازد و ایشان را به اصل تفاهم و ایجاد هماهنگی در زندگی قادر می‌نماید. خداوند با اصل مشورت، اثبات می‌کند که این موجود، شایستگی زندگی مستند به عقل و شعور را دارد ...
انسان‌ها با یک محصول عالی عقلانی و وجدانی درباره زندگی خودشان نظر می‌دهند (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۲۹۸).

۵. طبق سخنان حضرت امیر^{علیه السلام}، مخالفت با مشورت قرارگرفتن در پرتگاه است و مشارکت در رایزنی و صلاح‌اندیشی، به حقیقت و واقعیت رسیدن است: «من خالف المشورة ارتبک»: آن‌کس که با مشورت مخالفت کند، خود را در پرتگاه قرار داده است (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۵۳).

«الشركة في الرأي تؤدي الى الصواب»: مشارکت در رایزنی به واقع‌گرایی منجر می‌شود (همان، ج ۲، ص ۸۷).

ج) تبیین و توضیح مسئله

اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

اولاً، مشورت به معنای رایزنی، تدبیر، نظرخواهی، صلاح‌اندیشی، تبادل افکار، گام‌برداری و به استقبال هدایت‌رفتن است.

ثانیاً، اگر مشورت، صلاح‌اندیشی، رایزنی و تدبیر از جامعه انسانی رخت بر بندند، به طور قطع استبداد، خودرأیی و خودکامگی حاکم خواهد شد که چیزی جز تباهی و نابودی فرد و جامعه را به دنبال نخواهد داشت.

ثالثاً، مشورت و رایزنی در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام، هم دارای اهمیت و هم ضرورت است.

رابعاً، مشورت علاوه بر اهمیت و ضرورت، آثار فراوانی دارد. شناساندن این آثار به آحاد ملت و زمامداران امور کشوری، ضروری و وظیفه است تا همه استعدادها و نیروهای انسانی برای پیشرفت همه‌جانبه به کار گرفته شود.

خامساً، شناخت ویژگی‌های مشورت‌شونده و بایدها و نبایدهای آن از امور بسیار ضروری است.

د) اهداف موضوع

۱. معرفی کارآمدی دین و دین کارآمد در نظام سیاسی - اجتماعی گوشزد شود؛
۲. رویکرد و نگرش امام علی علیه السلام به عنوان نخستین امام معصوم و جانشین بلافصل نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، درباره مشورت، اهمیت، ضرورت و آثار آن بیان شود؛

۳. زمینه‌های جلب مشارکت آگاهانه، خیرخواهانه و متدینانه امت اسلامی در اداره امور کشور فراهم شود؛
۴. فراهم آوردن زمینه‌های همکاری، هماهنگی، همدلی برای دستیابی به اهداف مشترک دینی، سیاسی، اقتصادی و... و برداشتن گام‌های استوار جهت تبدیل جامعه اسلامی به مجموعه‌ای منظم و هدفدار.

ه) پیشینه تاریخی

الف) شوری و مشورت، در چند آیه قرآن کریم آمده است:

۱. «... ای پیامبر! در تصمیم‌گیری‌های همگانی، با مردم مشورت کن» (آل عمران: ۱۵۹)؛
 ۲. «... مؤمنان کسانی هستند که امورشان را با مشورت می‌گذرانند» (شوری: ۳۸)؛
 ۳. «... بشارت ده بندگان مرا، آنان که سخن را می‌شنوند و بهترینش را پیروی می‌کنند» (زمر: ۱۸)؛
 ۴. «پس، اگر آن دو (پدر و مادر)، با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنان نیست...» (بقره: ۲۳۳)
- ب) سیره رفتاری و گفتاری رسول گرامی اسلام ﷺ و امام علیؑ و امامان معصومؑ، بر سابقه تاریخی آن در طول تاریخ اسلام دلالت دارد؛ پس مشورت، پیشینه‌ای به بلندای تاریخ اسلام دارد.

و) روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی است. روح حاکم بر همه مباحث با استناد بر سخنان امام علیؑ، نقدی بر نگرش و

عملکرد مستبدانه فردی اجتماعی انسان‌ها و تجزیه و تحلیلی کوتاه ولی کاربردی بر فرمایشات آن حضرت است تا فراروی اندیشمندان، نخبگان و زمامداران باشد.

ز) پرسش‌های موضوع

- پرسش اصلی

آیا در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام، مشورت جایگاهی دارد یا خیر؟

- پرسش‌های فرعی

۱. مشورت به چه معناست؟
۲. ضرورت مشورت از دیدگاه امام علی علیه السلام کدام است؟
۳. ارزش مشورت در اندیشه سیاسی امام علیه السلام کجاست؟
۴. آثار مشورت در اندیشه امام علیه السلام کدام است؟
۵. بایدها و نبایدها در مشاور، از منظر امام علی علیه السلام کدام‌اند؟

ح) گروه‌های هدف (مخاطب‌شناسی)

۱. آحاد ملت در اقصی نقاط جهان، نیازمند آشنایی بیشتر با مشورت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام هستند.
۲. کارگزاران امور سیاسی، تقنینی، قضایی و اجرایی کشور اسلامی ما ایران و همه کسانی که امری از امور اداره کشور در اختیار آنان است، نیازمند آگاهی از آن هستند.
۳. کسانی که خواستار پژوهشی کاربردی در این موضوع باشند، شایسته و بلکه بایسته است با سیره گفتاری امام علی علیه السلام آشنا شوند.

ط) مفهوم‌شناسی

الف) امام؛ یعنی پیشوا و رهبر (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۴).

راغب می‌گوید: «امام کسی است که از وی پیروی و به وی اقتدا شود ... و جمع آن ائمه است ...». در **المیزان** از تفسیر قمی ذیل آیه «کل شیء احصیناه فی امام مبین» (یس: ۱۲)، از ابن‌عباس از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:
به خدا منم امام مبین! حق را از باطل آشکار می‌کنم و این را از رسول خدا به ارث برده‌ام (قرشی، ۱۳۶۴، ج ۱ و ۲، ص ۱۲۱-۱۲۲).

در تعریف اصطلاحی آمده است: «امام، انسانی معصوم و برخوردار از علوم خدادادی است که از سوی خدا و پیامبرش به این مقام برگزیده و به مردم معرفی می‌شود تا پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عهده‌دار تداوم وظایف او (به جز مسئولیت دریافت و ابلاغ وحی) گردد» (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵).

ب) مشورت؛ یعنی رایزنی، شور، رأی و تدبیر (معین، ۱۳۸۷، ص ۹۰۶)، شوری، فکر و عقیده و مشاوره‌کردن (سیاح، ۱۳۷۳، ص ۸۳۰)، صلاح‌اندیشی و کنکاش (عمید، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹۳)، مشاوره و رایزنی (پرتو، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۸۳۷)، رأی‌زدن با یکدیگر (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۴۵۵۰) و کنکاش‌کردن، رأی‌خواستن، تدبیرخواستن و صلاح‌پرسی (همان، ج ۱۳، ص ۲۰۹۷۶).

ج) اندیشه؛ یعنی تفکر و تأمل (معین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰) و رأی، تدبیر و تصور (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵۳۸).

د) سیاست؛ یعنی حکم‌راندن بر رعیت و اداره‌کردن امور مملکت، حکومت‌کردن، ریاست‌کردن، حکومت، ریاست، حکومت‌داری، عدالت، داوری (معین، ۱۳۸۷، ص ۵۲۹)، پاس‌داشتن ملک و رعیت‌داری‌کردن (دهخدا، ۱۳۷۷،

ج ۹، ص ۱۳۸۶۵) و اصلاح امور خلق (عمید، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶).
 ه) سیاسی؛ واژه‌ای است منسوب به سیاست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹،
 ص ۱۳۸۶۶ / معین، ۱۳۸۷، ص ۵۲۹) و کسی که به کارهای سیاسی پردازد
 (عمید، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶).

۱. ضرورت مشورت از دیدگاه امام علی علیه السلام

اگر مشورت از جامعه انسانی رخت بریندد، بستر استبداد و خودکامگی فراهم می‌شود. «خودکامگی نماد حاکمیت حیوانیت در آدمی است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰).

تفکر، اندیشه، تصمیم‌گیری، رفتار و در یک کلام، سلوک انسان مستبد، سلوک حیوانی است و نتیجه آن هلاکت است: «من استبد برأیه هلك؛ هرکس استبداد ورزد، هلاک شود» (نهج البلاغه، ح ۱۶۱).

استبداد و خودکامگی منشأ تباهی‌های گوناگون در جامعه و حکومت است. سیاستمداران مستبد و خودکامه، اندیشه و اندیشه‌ورزی را به بند می‌کشند، باب نقد و انتقاد را مسدود می‌کنند و هر ناروایی را بر خود و اطرافیان خود روا می‌دارند و باعث انحطاط فکری و عملی جامعه می‌شوند.

در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام، استبداد و خودکامگی مایه زوال و نابودی است: «الاستبداد برأیک یزلک و یهورک فی المهاوی»: خودکامگی تو را می‌لغزاند و در هلاکت‌گاه فرومی‌اندازد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۹۰).

به کارگزاران خود، دستور اکید می‌دادند که از خودرأیی دور باشند و در نامه خود به اشعث بن قیس نوشتند:

«لیس لك ان تفتأت فی رعیة»: این حق بر تو نیست که در میان مردم به استبداد و خودرأیی عمل نمایی (نهج البلاغه، ن ۵).
به مالک اشتر نیز فرمودند:

«ولا تقولن انی مؤمر آمر فاطاع»: مبدا بگویی من بر مردمان مسلطام؛ از من فرمان دادن است و از ایشان، اطاعت کردن (همان، ن ۵۳).
در نتیجه برای رهایی از استبداد و خودرأیی، وجود مشورت امری ضروری است. علاوه اینکه با توجه به آثاری که برای مشورت وجود دارد، ترک آن از سوی هرکس باشد، کاری ناپسند است و پای بندی به آن، امری حکیمانه خواهد بود.

۲. ارزش و جایگاه مشورت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام مشورت را برای آحاد ملت، پشتیبانی بی نظیر دانستند «لاظہیر کالمشاورۃ؛ هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (همان، ح ۵۴). در مکتب ایشان، خودرأیی عامل نابودی افراد است و مشورت باعث شریک شدن در عقل دیگران می شود:

«من استبد برأیه هلك و من شاور الرجال شاركها فی عقولها»: هرکس خودرأی شد، به هلاکت رسید و هرکس با دیگران مشورت کرد، در عقل های آنان شریک شد (همان، ح ۱۶۱).

اگر فرد یا جامعه ای زمینه شنیدن، تحمل، و به کارگیری اندیشه و نظر دیگران را فراهم کند، مواضع اشتباهات را خواهد شناخت و به حقیقت خواهد رسید:
«من استقبل وجوه الآراء عرف مواضع الخطأ»: آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد (همان، ح ۱۷۳).

امام علیه السلام در جواب عبدالله بن عباس فرمودند:

«لک أن تشیر علی و اری، فان عصیتک فاطعی»: بر توست که رأی خود را به من بگویی و من باید پیرامون آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم، باید اطاعت کنی (همان، ح ۳۲۱).

یعنی اظهار نظر، وظیفه بوده، اندیشیدن درباره آن یک تکلیف و اطاعت از دیدگاه صحیح برای همه ضروری است.

طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام هیچ فردی حق ندارد رأی و نظر خود را پنهان کند و عواملی چون ترس، کم‌رویی، حیا و... نباید مانع گفتن سخن حق شود. مشورت‌کننده نیز موظف است درباره سخنان مشورت‌شونده به تفکر، تأمل و صلاح‌اندیشی پردازد و تلاش کند به سخن حق برسد و به حق عمل نماید.

۳. آثار مشورت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام

۳-۱. شخصیت‌دادن به مردم

مشورت برای این است که امت مسلمان تصور نکنند، رهبران و مسئولان کشوری به آنان اعتنایی ندارند و برای نظریه آنها ارزش قائل نیستند، بلکه دریابند که آنان دارای احترام‌اند و رأی آنها مورد توجه است (فیضی پور، ۱۳۷۹، ص ۲۹):

«اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب»: رایزنی کنید، زیرا از این راه اندیشه صحیح پدید می‌آید (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶۶).

«افضل الناس رأياً من لا یستغنی عن رأی مشیر»: مهم‌ترین افراد از نظر فکر و اندیشه آن کسی است که خود را بی‌نیاز از مشورت نداند (همان، ج ۵،

ص ۲۰۱).

۳-۲. شکوفایی استعدادها

مشورت کردن یکی از بهترین عرصه‌هایی است که باعث شکوفایی استعدادها می‌شود:

«صواب‌الرأی، باجالة الافکار»: رأی واقع‌گرا آنجاست که افکار به گردش درآید (همان، ص ۳۳۶).

علاوه بر این، مشورت با خردمندان باعث هدایت و بهره‌مندی از انوار اندیشه آنان خواهد شد:

«من شاور ذوی العقول استضاء به انوارالعقول»: آن‌کس که با خردمندان به مشاورت بپردازد، از انوار خرد آنان روشنی می‌گیرد (همان، ج ۵، ص ۳۳۶).

«امحضوا الرأی مخض السقاء ینتج سدیدالآراء»: آرا را به هم بنمید و بکوبید، همچنان‌که آب در مشک به هم می‌خورد و در نتیجه استوارترین آرا را به دست آورید (همان، ج ۲، ص ۲۶۷).

«خوافی الآراء تکشفها تامشاوره»: مشورت، نظرات و افکار مخفی را فاش می‌سازد (همان، ج ۳، ص ۴۶۶).

«المشورة تجلب لك صواب غیرك»: مشورت نظریه صائب دیگران را در اختیار تو می‌گذارد (همان، ج ۱، ص ۳۹۰).

۳-۳. شناخت افراد خیرخواه و عاقل

با مشورت، افراد خیرخواه، دلسوز، مؤمن و آگاه، از انسان‌های فرصت‌طلب، ماجراجو، منافق و کوتاه‌بین شناخته می‌شوند:

«من نصح مستشیره صلح تدبیره»: آن‌کس که به مشورت‌گیرنده خیرخواهی

کند، عقل او درست کار می‌کند (همان، ج ۵، ص ۲۱۶).
 «جماع الخیر فی المشاورة والأخذ بقول النصح»: تمام خوبی‌ها در مشورت،
 پیروی کردن از قول خیرخواه است (همان، ج ۳، ص ۳۶۸).
 «مشاورة الحازم المشفق ظفر»: مشورت با محتاط و دوراندیش مهربان، مایه
 پیروزی است (همان، ج ۶، ص ۱۴۶).
 «رأی العاقل ینجی»: نظر انسان عاقل، مایه نجات است (همان، ج ۴، ص ۹۵).

۳-۴. کم کردن ضریب خطا

امام علی علیه السلام فرمودند:

«من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء»: آن کس که از افکار و اندیشه‌های
 گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب می‌شناسد (نهج البلاغه، ح ۱۷۳).
 مشورت با انسان‌های آگاه، رسیدن به هدف را زمینه‌سازی می‌کند و
 خودکامگی در اندیشه و عمل، مسیری جز خطا ندارد:
 «قد اصاب المسترشد، قد اخطأ المستبد»: آن کس که از دیگران رأی بخواهد، به
 هدف می‌رسد و آن کس که استبداد ورزد، به خطا می‌رود (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴،
 ص ۴۶۴).

امام علیه السلام ضمن دستور مؤکد بر مشاوره، فلسفه آن را نتیجه احتیاط می‌دانند:
 «علیک بالمشاورة، فانها نتیجة الحزم»: بر تو باد به مشاورت؛ زیرا مشورت،
 نتیجه احتیاط و دوراندیشی است (همان، ص ۲۸۵).

۳-۵. جلوگیری از استبداد

اگر کسی همیشه یک نظر بدهد و فقط رأی و نظر او مورد عمل واقع شود،
 دچار استبداد و خودبینی می‌شود: «مشورت عامل مؤثری برای جلوگیری از

استبداد است» (فیضی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۰).

از وظایف ما مسلمانان این است که در امور فردی و اجتماعی، خود را بی‌خطا و اشتباه ندانیم و اعتماد کامل به برداشت‌های خود نداشته باشیم:

«اتهموا عقولکم فانه من الثقة بها یكون الخطاء»: فکر و اندیشه خود را متهم سازید؛

زیرا اعتماد صد در صد مایه خطاست (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶۷).

بهره‌مندی از خرد خردمندان و حکمت حکیمان، از اموری است که بر

جلوگیری از استبداد ضروری است:

«حق علی‌العقل ان یضیف الی رأیه، رأی‌العقلاء و یضم الی علمه

علوم‌الحکماء»: بر خردمند لازم است رأی خردمندان را بر رأی خود و دانش

حکیمان را بر دانش خود ضمیمه سازد (همان، ج ۳، ص ۴۰۸).

استبداد در نظر و عمل، عامل سقوط از مرتبه انسانیت به مرتبه حیوانیت

است و راه جلوگیری از این سقوط، مشورت با اهل آن است: «المستشیر

متحصن من السقط»: فرد مشورت‌گر از سقوط محفوظ است (همان، ج ۱،

ص ۳۱۶). یکی دیگر از راه‌های جلوگیری از استبداد، تداوم مشورت‌خواهی

و ترک دائمی خودرأیی است: «حق علی‌العقل ان یستدیم‌الاسترشاد و

یترک‌الاستبداد»: بر فرد خردمند لازم است به مشورت ادامه دهد و استبداد را رها

کند (همان، ج ۲، ص ۴۱۰).

۳-۶. رشد فکری و فرهنگی مردم

مشورت، عامل رشد فکری و فرهنگی مردم می‌شود و از خمودگی و جمود

فکری و عملی جلوگیری می‌کند: «خوافی الآراء تکشفها المشاورة»: مشورت، نظرات

و افکار مخفی و پنهان را فاش می‌سازد (همان، ج ۳، ص ۴۶۶).

۳-۷. احترام خداوند به اندیشه‌های مردم

با توجه به آیات قرآن کریم و سیره رفتاری و گفتاری رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین ﷺ، احترام و جایگاه اندیشه‌های مردم از منظر اسلام شناخته می‌شود: «اذا عزم، فاستشیر»: هنگامی که تصمیم گرفتی، مشورت کن (همان، ج ۳، ص ۱۱۶)؛ پس اندیشه دیگران قابل احترام است و باید پس از عزم و اراده نیز به آن توجه شود. امام علی ﷺ، ضمن احترام به رأی و نظر دیگران و اینکه معتقد است: «نعم المظاهرة المشاورة»: چه پشتیبانی خوبی است، مشاورت (همان، ج ۶، ص ۶۴)، فرمودند: «رأى العاقل ینجى»: نظر انسان عاقل، مایه نجات است (همان، ج ۴، ص ۹۵). همچنین می‌فرمایند: «استشر عدوک العاقل»: با دشمن خردمند خود به مشورت بپردازید (همان، ج ۲، ص ۲۳۶).

۳-۸. در عقل دیگران سهیم شدن

مشورت، زمینه خوبی برای بهره‌مند شدن از عقل و خرد دیگران است (دست‌یافتن به خرد جمعی). حضرت می‌فرمایند: «من شاور الرجال شارکها فی عقولها»: هرکس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد (نهج البلاغه، ح ۱۶۱). طبق فرمایش امام علی ﷺ، مشورت با خردمندان، بهره‌مندی از نورانیت عقل و خرد آنهاست: «من شاور ذوی العقول استضاء بانوار العقول»: آن‌کس که با خردمندان به مشاورت بپردازد، از انوار خرد آنان روشنی می‌گیرد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۳۶). از منظر حضرت علی ﷺ، یکی از معیارهای فضیلت انسان، احساس

۳-۱۱. جلوگیری از انتقاد و ملامت

اگر رهبران و حاکمان جامعه‌ای پیش از انجام هر کاری، اندیشمندان با مردم مشورت کنند، در صورت شکست، مورد ملامت و انتقاد قرار نمی‌گیرند: «شاوَر قبل ان تعزم و فکر قبل ان تقدم»: پیش از تصمیم، مشورت کنید و قبل از اقدام، بیندیشید (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۷۹).

«من لزم المشاورة ... عند الخطا عاذراً»: هر کس به مشاورت بپردازد ... هنگام خطا، معذور شمرده می‌شود (همان، ج ۵، ص ۴۰۶).

۳-۱۲. مشورت؛ عامل بالندگی فرد و جامعه

در اندیشه امام علی علیه السلام، استبداد و خودکامگی عامل سقوط فرد و جامعه است. حضرت در نامه به اشعث بن قیس - فرماندار آذربایجان - فرمودند: «لیس لك ان تفتتات فی رعیة»: این حق بر تو نیست که در میان مردم به استبداد و خودرأیی عمل نمایی (نهج البلاغه، ن ۵).

«من قنع برأیه فقد هلك»: آن کس که به رأی خود اکتفا کند، نابود می‌شود (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۵۸).

همان‌گونه که مشورت، عامل رشد و بالندگی فرد و جامعه است: «اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب»: رایزنی کنید؛ زیرا از این راه اندیشه صحیح پدید می‌آید (همان، ج ۲، ص ۲۶۶).

«قد اصاب المسترشد»: آن کس که از دیگران رأی بخواهد، به هدف می‌رسد (همان، ج ۴، ص ۴۶۴).

۳-۱۳. پرورش انسان‌های شجاع و حق طلب

امام علی علیه السلام، یاران خود را چنان شجاع، دلیر و حق طلب پرورش می‌داد که آنان بتوانند هر چه را حق و حقیقت تشخیص دادند، بگویند و به آنان اجازه می‌داد که

حقیقت را تک تک به امام علیه السلام برسانند؛ همچنان که جمله «... فلا تکفوا عن مقالة بحق»: پس، از حق گویی خودداری نکنید، به همین موضوع اشاره دارد (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

۳-۱۴. تربیت انسان‌های عادل

امام علیه السلام، یاران خود را چنان رخصت می‌دهد که در حوزه مشورت و مشاوره [با ایشان] وارد شوند و به عدل سخن بگویند؛ چنان که می‌فرماید: «او مشورة بعدل ...»: پس، از مشورت عادلانه و واقع‌بینانه، خودداری نکنید (نهج البلاغه، خ ۲۱۴).

۳-۱۵. تربیت انسان‌های وظیفه‌شناس (ترویج فرهنگ وظیفه‌شناسی عمومی)

امام علیه السلام خود را بالاتر از این نمی‌داند که خطا نکند و از اشتباه در کار خود ایمن و مطمئن باشد ... تا عصمت الهی نباشد، هر انسانی در معرض اشتباه و مسیر لغزش‌ها قرار می‌گیرد.

نه تنها امام به چنین حکمی محکوم است، بلکه همه افراد معصوم و غیر معصوم، از آن جهت که بشرند، در معرض چنین خطاها و اشتباهاتی قرار می‌گیرند و سخن امام علیه السلام نیز بر همین اساس است (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۴۳-۴۴):
«فانی لست فی نفسی بفق ان اخطئی، ولا آمن ذلک من فعلی»: زیرا من بالاتر از آن نیستم که خطا نکنم و از خطا در کار خویش، مطمئن و ایمن باشم (نهج البلاغه، خ ۲۱۴).

ولی با در نظر گرفتن عصمت و مصونیت الهی، چنین احتمالی در حق امام و دیگر معصومان منتفی خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۴۴). بر این اساس، امام علیه السلام بلافاصله فرمودند:

«الا ان یکفی الله من نفسی، ما هو املک به منی. فانما انا و انتم عبید مملوکون لرب لارب غیره»: مگر اینکه خداوند مرا از آنچه که بر آن از من مسلط تر است، بازدارد. من و شما بندگان و مملوک خدایی هستیم که مالک و صاحب ماست و جز او صاحبی نیست (نهج البلاغه، خ ۲۱۴).

حضرت علی علیه السلام وظیفه شناسی عمومی را ترویج می کند تا مردم نگویند چون امام معصوم در رأس امور قرار دارد، پس تکلیفی بر ما نیست و چشم و گوش بسته باید به دنبال امام حرکت کنیم. ایشان پیروی آگاهانه و رشدیافته و بلکه رشدیافته ترین پیروی را از مردم می خواهد.

۴. بایدها و نبایدهای مشاور از منظر امام علی علیه السلام

شناخت ویژگی های کسانی که «باید» با آنها به شور و مشورت پرداخت و کسانی که «نباید» از آنها نظرخواهی کرد، بسیار ضروری است.

۴-۱. بایدها در مشاور (مشورت شونده)

۴-۱-۱. از خردمندان باشد

طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام، مشورت شونده باید صاحب خرد، اندیشه، تفکر و تعقل باشد تا مشورت کننده از انوار خرد آنان بهره مند شود:

«من شاور ذوی العقول استضاء بانوارالعقول»: آن کس که با خردمندان به مشاورت پردازد، از انوار عقل و خرد آنان روشنی می گیرد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۳۳).

همچنین فرمودند:

«من شاور ذوی النهی والالباب، فاز بالنجح والصواب»: آن کس که با خردمندان رایزنی و صلاح‌اندیشی کند، به پیروزی و حقیقت می‌رسد (همان، ص ۳۳۷).
مشورت با انسان عاقل، باعث آرامش می‌شود:
«من استشار العاقل ملک»: کسی که با خردمندان و عاقلان مشورت کند، آرامش می‌یابد (همان، ص ۱۵۸).

پیمودن راه و روش صحیح و مستقیم، یاری‌جستن از صاحبان خرد و اندیشه است (مشورت با خردمندان):

«من استعان بذوی الالباب سلک سبیل الرشاد»: هر کس با رأی خردمندان استعانت جوید، راه راست را می‌پیماید (همان، ص ۳۹۶).
امام علیه السلام مشورت با خردمندان را احتیاط در آینده‌نگری می‌داندند:
«الحزم النظر فی العواقب و مشاورة ذوی العقول»: احتیاط در آینده‌نگری و مشاورت با افراد خردمند است (همان، ج ۲، ص ۸۰).

۲-۱-۴. خیرخواه باشد

خیرخواهی یکی از بایدها در مشورت‌شونده است. امام علی علیه السلام فرمودند:
«جماع الخیر فی المشاورة والاخذ بقول النصح»: تمام خوبی‌ها در مشورت و پیروی کردن از قول خیرخواه است (همان، ج ۳، ص ۳۶۸).

۳-۱-۴. بر موضوع مشورت، آگاهی داشته باشد

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «خیر من شاورت ذوی النهی والعلم»: بهترین فرد برای مشورت، افراد عاقل و دانشمند هستند (همان، ص ۴۲۸)؛ پس علاوه بر عقل و خرد، آگاهی و دانش بر موضوع مشورت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۱-۴. صاحب تجربه باشد

از منظر امام علیه السلام، در رایزنی و مشورت، صاحبان تجربه دارای فضیلت بیشتریند: «خیر من شاورت ... اولوا التجارب»: بهترین فرد برای مشورت و صلاح اندیشی، صاحبان تجربه‌اند (همان).
«افضل من شاورت ذوات التجارب»: بهترین و بافضیلت‌ترین افراد برای مشورت، تجربه‌دیدگان‌اند (همان، ج ۲، ص ۴۵۶).

۴-۱-۵. اهل احتیاط باشد

«خیر من شاورت ... اولوا الحزم»: از بهترین فرد برای مشورت و صلاح اندیشی، اهل احتیاط است (همان).

۴-۱-۶. خداترس باشد

حضرت علی علیه السلام، مشورت و رایزنی را با کسانی که خداترس‌اند، عامل هدایت می‌داند: «شاور فی امورک الذین یخشون الله»: با افرادی که از خدا می‌ترسند، مشورت و صلاح اندیشی کن! تا به حقیقت برسی (همان، ج ۴، ص ۱۷۹۹)؛ زیرا رایزنی با چنین افرادی، انسان را برای رسیدن به حقایق امور یاری می‌کند.
به پارسایی از این حال مشورت بردم مگر ز خاطر من بند بسته بگشایید (سعدی)

۴-۱-۷. عاقل و دانشمند باشد

امام علیه السلام، مشورت، صلاح اندیشی، رایزنی، تدبیر و خیرخواهی با دشمن عاقل را پسندیده‌تر از پذیرش فکر و نظر دوست جاهل و نادان می‌داند:
«استشر عدوک العاقل و احذر رأی صدیقک الجاهل»: با دشمن خردمند خود

به مشورت پرداز و از رأی و نظر دوست نادان بپرهیز! (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۳۶).

۴-۲. نبایدها در مشاور (مشورت شونده)

۴-۲-۱. بخیل نباشد

طبق فرمایش امام علی علیه السلام، مشورت شونده «نباید» بخیل باشد؛ زیرا چنین فردی، انسان را از خوبی‌ها، بخشش‌ها و فضایل دیگر اخلاقی بازمی‌دارد و به فقر و بی‌چیزی تهدید می‌کند:

«ولا تدخلن فی مشورتک بخيلاً يعدل بک عن الفضل يعدک الفقر»: * هرگز به حوزه مشورت خود، بخیلی که تو را از نیکی و بخشش بازمی‌دارد و به فقر و بی‌چیزی تهدید می‌کند، راه مده (نهج البلاغه، ن ۵۳).

مشورت با افراد بخیل، آثار منفی دارد؛ از جمله اینکه روحیه بخشش و بزرگواری را از رهبران جامعه می‌گیرد و باعث پراکنده شدن مردم از اطراف آنها می‌شود. این عمل، عملی شیطانی است که فردی بخشش آگاهانه، عاقلانه و متدینانه را باعث فقر بداند؛ زیرا نوعی بدگمانی به خداوند کریم و رزاق است.

۴-۲-۲. ترسو نباشد

رایزنی با افراد ترسو، عزم و اراده انسان را در انجام امور و پیمودن مقاصد عالی،

* سخن امام علی علیه السلام بر آیه ۲۶۸ سوره بقره ناظر است: «الشیطان يعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء»: شیطان به شما وعده فقر داده است و شما را به زشتی فرمان می‌دهد.

لرزان و سست می‌سازد:

«... ولا جبناً یضعفک عن الامور»: ... هرگز با افراد جبان و ترسو، مشورت و صلاح‌اندیشی منما که اراده تو را سست کرده و تو را از قیام به امور نیک بازمی‌دارند (همان).

۴-۲-۳. حریص نباشد

ثمره ظاهری مشورت با انسان‌های طمع‌کار و حریص، خوب جلوه‌دادن ستمگری بر مردم است:

«... ولا حریصاً یزین لک الشره بالجور»: ... هرگز انسان حریص و آزمند را در جلسه مشورت و رایزنی وارد مکن؛ زیرا (بر اثر داشتن طمع فراوان و اندیشه سیم و زراندوزی) ستمگری بر مردم را در نظر تو خوب جلوه می‌دهد (همان).
تکته: امام علی^{علیه السلام} در پایان این فراز از نامه خود به مالک اشتر نخعی، فرمودند:
 «فان البخل والجبن والحرص، غرائز شتی، یجمعها سوء الظن بالله»: گرچه بخل، ترس و حرص غرایز گوناگون انسانی است؛ اما ریشه همه آنها بدگمانی به خداوند است (همان).

۴-۲-۴. جاهل و نادان نباشد

طبق فرمایش امام^{علیه السلام}، انسان باید از مشورت با جاهلان و نادانان بپرهیزد؛ گرچه آنان از دوستان باشند:

«... واحذر رأی صدیقک الجاهل»: ... از رأی و نظر دوست نادان و جاهل بپرهیز (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۳۶).

انسان ناآگاه همانند نابینایی در بیابان است که نه جهت را تشخیص می‌دهد و نه مسیر را درک می‌کند. صلاح‌اندیشی با چنین افرادی جز خسران مادی و

معنوی چیزی به دنبال ندارد.

افزون بر این، یکی از اسباب هلاکت فرد و جامعه، مشورت و صلاح‌اندیشی با نادان و جاهل است؛ زیرا انسان نادان، قدرت تشخیص خیر و صلاح را از بدی و شر ندارد: «رأى الجاهل یردى»: فکر، رأی و نظر آدم نادان، انسان را به هلاکت می‌کشد (همان، ج ۴، ص ۹۵).

امام علیه السلام تأکید دارند که با نادانان به رایزنی منتهیید: «لاتشاورن فی امورک من یجهل»: در امور خود، با فرد ناآگاه مشاوره مکن (همان، ج ۶، ص ۲۷۰)؛ زیرا مشورت با جاهلان، باعث نابودی مشورت‌کننده می‌شود: «جهل‌المشیر هلاک‌المستشیر»: نادانی طرف مشورت و رایزنی، مایه نابودی مشورت‌کننده است (همان، ج ۳، ص ۳۶۷).

۴-۲-۵. لجاز نباشد

از دیدگاه امام علی علیه السلام:

اولاً، رأی، نظر، فکر و اندیشه افراد لجاز، قابلیت توجه و دقت را ندارد: «اللجوج لا رأی له»: فکر و اندیشه و دیدگاه و نظر فرد لجوج، محترم نیست (همان، ج ۱، ص ۲۲۳).

ثانیاً، لجازی باعث افساد فکر و اندیشه مشورت‌شونده و مشورت‌کننده می‌شود: «اللجاج یفسد الرأى»: لجاجت، فکر و اندیشه و نظر و دیدگاه را فاسد می‌کند (همان، ص ۲۶۹).

۶-۲-۴. دروغگو نباشد

«دروغ، کلید همه بدی‌هاست» ریشه بسیاری از شرور عدم صداقت است و «دروغگو دشمن خداست».

از ویژگی‌های انسان‌هایی که نمی‌توانند مورد مشورت قرار گیرند، دروغگویی است. امام علی علیه السلام فرمودند:

«لا تستشر الکذاب فانه کالسراب یقرب علیک البعید و یبعد علیک القریب»: با افراد کذاب و دروغگو به رایزنی و مشورت منشین؛ زیرا او مانند سراب است، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد (همان، ج ۶، ص ۳۱۰).

نتیجه‌گیری

۱. مشورت، به معنای رایزنی، تدبیر، صلاح‌اندیشی و تبادل افکار و اندیشه‌هاست.
۲. در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام، «مشورت» عین هدایت است و خودرأیی عامل مخاطره فرد و جامعه است.
۳. در اندیشه امام علی علیه السلام، «مشورت» از مؤکدترین امور در روش و منش سیاسی است.
۴. اگر تبادل اندیشه در جامعه انسانی برچیده شود، بستر استبداد و خودکاملی - که نماد حاکمیت حیوانیت در آدمی است - فراهم می‌شود و نقد و انتقاد صادقانه، جایش را به تملق و چاپلوسی خواهد داد.
۵. مشورت، بی‌نظیرترین پشتیبان نظام سیاسی و اجتماعی است.
۶. مشورت دارای آثار فردی و اجتماعی گوناگون است؛ از جمله: احترام و

شخصیت‌دادن به مردم، شکوفایی استعدادها، رشد فکری و فرهنگی و بالندگی فرد و جامعه، شناخت افراد خیرخواه و عاقل، جلوگیری از خطا، استبداد، حسادت، ملامت، سهم‌شدن در عقل و خرد دیگران، به دنبال داشتن امداد الهی و پیروزی و پرورش انسان‌های شجاع، حق‌طلب، عادل و وظیفه‌شناس.

۷. اگر خردمندان، خیرخواهان، عالمان، صاحبان تجربه، اهل احتیاط، باتقویان و عاقلان مورد مشورت قرار گیرند، آثارش رشد و بالندگی فرد و جامعه خواهد بود.

۸. اگر مشاوران از بخیلان، ترسوها، آزمندان، جاهلان، لجبازان و دروغگویان باشند، نتیجه آن انحطاط جامعه بشری است و همچنین امت واحده به تفرقه، تنبلی، ستمگری، سهل‌انگاری و سطحی‌نگری دچار خواهد شد!

منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
۱. استادی، رضا؛ شوری در قرآن و حدیث؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۳۶۰.
 ۲. آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶.
 ۳. پرتو، ابوالقاسم؛ واژه‌یاب؛ چ ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
 ۴. جعفری، محمدتقی (علامه)؛ «شورا»؛ فصلنامه کتاب نقد؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۸، پاییز ۱۳۷۷.
 ۵. جمعی از نویسندگان؛ معارف اسلامی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۵.
 ۶. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ تفسیر موضوعی نهج البلاغه؛ قم: نشر معارف، ۱۳۸۳.
 ۷. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغتنامه دهخدا؛ چ ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
 ۸. سبحانی، جعفر؛ شوری در قرآن و نهج البلاغه؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸.
 ۹. سعیدی مهر، محمد؛ آموزش کلام اسلامی؛ قم: کتاب طه، ۱۳۸۵.
 ۱۰. سیاح، احمد؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)؛ چ ۱۶، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۳.

۱۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ چ ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۲. فیضی پور، علی اصغر؛ شوری در اسلام و قانون اساسی؛ قم: نشر شاکر، ۱۳۷۹.
۱۳. قرشی، سیدعلی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۱۴. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (تک جلدی)؛ چ ۱، تهران: نشر پارسه، ۱۳۸۷.
۱۵. ملکی، محمد؛ شورا در اسلام، نهضت زنان مسلمان؛ تهران: [بی جا]، ۱۳۵۹.

